

## Women on the Battlefield: Experiences and Challenges in the Israeli Army

**Ehsan Ejazi**, Corresponding Author, PhD in International Relations, Director of Palestine and Israel Studies Department in the Iranian Association of West Asian Studies, Iran. [ehsanejazi95@gmail.com](mailto:ehsanejazi95@gmail.com)

**Mahsa Ahmadian**, MA in North America's Studies, Allameh Tabataba'i University. Tehran, Iran. [mahsaahmadyan@gmail.com](mailto:mahsaahmadyan@gmail.com)

### Article Info

Article Type:  
Reserch Article

Date received:  
2025/04/ 30

Date approved:  
2025/ 12/18

### ABSTRACT

The research hypothesis is that the necessity of regime survival and the shortage of military officers, if recruitment were limited to men only, have caused Israel to abandon gender policy in soldier recruitment and call both men and women to serve in the army. The findings of the present research indicate that security needs—such as the need for survival, lack of strategic depth, demographic challenges, and expansionist policies—have compelled this regime to disregard the social harms caused by the presence of women on the battlefield, overlook the notion of women's pacifism, and utilize all its military capacities, including female combat forces, in its wars. In this context, Unit 8200, the elite intelligence unit of the Israeli army, has gone even further by deploying its female combat soldiers to conduct operations inside the territories of other countries. Therefore, it can be concluded that the need for survival in the international arena, and worse, the adoption of a warlike policy, can force governments to ignore the social role of women and send them to battlefields. This research was conducted using qualitative methods by studying documents and laws related to the military forces in Israel...

Cite this Article: Ejazi,E. and Ahmadian,M. (2025). Women on the Battlefield: Experiences and Challenges in the Israeli Army. *International Relations Researches*, 15(3), 105-128. doi: 10.22034/irr.2025.466234.2565



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2025.466234.2565



## **Introduction**

This study examines the participation of women in the Israeli military and the challenges arising from it. Contrary to traditional religious teachings that confined women to domestic and familial roles, Israel—since its establishment—has been compelled by security and demographic pressures to conscript women into military service. The central research question is why Israel, unlike many other states, has legitimized the deployment of women in combat roles. The main hypothesis suggests that the need for survival, demographic constraints, and Israel’s expansionist policies have led the state to integrate women into its armed forces.

## **Theoretical Framework**

The research is grounded in feminist theory and scholarship on gender and war. Armies are conceptualized as male-dominated institutions that reproduce hegemonic masculinity. Feminist theorists argue that excluding women from military and political processes reinforces systemic inequalities. Concepts such as “militarized femininity” and “politicized femininity” are applied to analyze Israeli women’s military role. In addition, the study draws on UN Security Council Resolution 1325, which legitimizes the participation of women in security structures and peace processes.

## **Methodology**

The research employs a qualitative methodology, relying on the analysis of official documents, military laws, demographic statistics, and prior academic studies on women in the Israeli military. The sources include official Israeli reports, demographic data, and international scholarly literature on gender and security. The approach combines documentary analysis with theoretical perspectives to assess the evolving role of women in the Israel Defense Forces (IDF).

## **Results & Discussion**

Findings highlight four key factors driving the integration of women in the Israeli military:

1. **Survival and Security Needs:** Continuous threats from Hamas and Hezbollah have compelled Israel to mobilize its entire human capital, including women.
2. **Lack of Strategic Depth:** Israel’s limited geography necessitates preemptive and external wars, thereby requiring maximum utilization of both male and female soldiers.
3. **Demographic Challenges:** The low participation of ultra-Orthodox Jewish men and Arab citizens in military service has forced the IDF to rely more heavily on women.
4. **Expansionist Policies:** Israel’s settlement policies and military presence in the West Bank and Gaza require sustained deployment, which has increased reliance on female soldiers.

Despite these developments, women in the IDF continue to face gender-based discrimination, sexual harassment, and limited access to high-ranking command



positions. While women are increasingly present in combat units, the military hierarchy remains largely male-dominated.

### **Conclusions & Suggestions**

The study concludes that women's military participation in Israel is not primarily the result of feminist achievements or gender equality movements but rather a consequence of structural necessities tied to security, demography, and expansionist state policies. Israel has had to overlook traditional notions of femininity and pacifism to ensure its survival and pursue military objectives. Nevertheless, entrenched patriarchal structures within the IDF continue to obstruct women's advancement to senior leadership positions. Thus, women's presence in the Israeli military should be understood more as a product of strategic necessity than as a triumph of feminist struggle.

Keywords: War, Women, Pacifism, Violence, Israel.



## زنان در میدان نبرد: تجربه و چالش‌های ارتش اسرائیل

احسان اعجازی، نویسنده مسئول، دکترای روابط بین‌الملل، مدیر گروه مطالعات فلسطین و اسرائیل در انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا،  
ehsanejazi95@gmail.com ایران

مهسا احمدیان، کارشناس ارشد مطالعات آمریکای شمالی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران mahsaahmadyan@gmail.com

چکیده	درباره مقاله
<p>در قرن ۲۱ حضور زنان در جبهه‌های نبرد به موضوعی مهم در استراتژی قدرت‌های نظامی در جهان تبدیل شده است. این پرسش که آیا ارتش‌های جهان می‌توانند از سربازان زن در خط مقدم جبهه استفاده کنند یا نه، به مسئله‌ای چالش‌برانگیز برای فرماندهان نظامی تبدیل شده است. اسرائیل یکی از رژیم‌های سیاسی است که بدون هیچ واژه‌هایی از زنان در جبهه نبرد استفاده می‌کند. در همین راستا پرسش این مقاله بدین شرح است: چه عامل یا عواملی سبب شده است که برخی حکومت‌ها، نظیر رژیم اسرائیل، استفاده از زنان در میدان نبرد را مجاز بدانند؟ فرضیه پژوهش از این قرار است که ضرورت بقای رژیم و کمبود افسر نظامی، در صورت سربازگیری صرف از میان مردان، سبب شده است که اسرائیل سیاست جنسیتی را در به کارگیری سرباز کنار بگذارد و مردان و زنان را به خدمت در ارتش فرابخواند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نیازهای امنیتی، مانند نیاز به بقا، نداشتن عمق استراتژیک، معضل جمعیت و سیاست‌های توسعه‌طلبانه این رژیم را مجبور ساخته است، که بدون توجه به آسیب‌های اجتماعی ناشی از حضور زنان در میدان جنگ، انگاره صلح‌طلبی زنان را نادیده بگیرد و در جنگ‌های خود از همه ظرفیت‌های نظامی خود از جمله نیروی رزمی زنان استفاده کند. در همین راستا واحد ۸۲۰۰ اطلاعات نخبگان ارتش اسرائیل پا را از این فراتر گذاشته است و سربازان رزمنده زن خود را برای انجام عملیات به درون خاک دیگر کشورها اعزام می‌کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نیاز به بقا در عرصه بین‌الملل و بدتر از آن اتخاذ سیاست جنگ‌طلبانه می‌تواند حکومت‌ها را وادار کند که با نادیده‌نگاری نقش اجتماعی زنان آنان را به میادین جنگ اعزام کنند. این پژوهش براساس روش کیفی مطالعه اسناد و قوانین مرتبط با نیروهای نظامی در اسرائیل انجام شده است.</p>	<p><b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b> جنگ، زنان، صلح‌طلبی، اسرائیل.</p> <p><b>تاریخچه مقاله</b> تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۹/۲۷</p>

**استناد به این مقاله:** اعجازی، احسان و احمدیان، مهسا. (۱۴۰۴). زنان در میدان نبرد: تجربه و چالش‌های ارتش اسرائیل. پژوهش‌های روابط

بین‌الملل، ۱۵(۳)، ۱۰۵-۱۲۸. doi: 10.22034/irr.2025.466234.2565

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل





جایگاه زنان در جامعه مدرن اسرائیل واجد ویژگی‌هایی است که آن را در تعارض آشکار با آموزه‌های دینی و تفاسیر سنتی تورات و تلمود قرار می‌دهد. در چارچوب یهودیت، زنان غالباً به‌مثابه عنصری بالقوه تهدیدزا تلقی شده و نقش آنان به حوزه خصوصی و فعالیت‌های خانگی محدود می‌گردید. با این وجود، تحولات فکری و اجتماعی ناشی از مدرنیزاسیون و رشد اندیشه‌های مدنی، زمینه‌ساز ظهور گفتمان فمینیستی در اسرائیل شده است. این گفتمان، با نقد بنیان‌های نابرابری جنسیتی، نه تنها بر بازتعریف هویت زن و ارتقای جایگاه اجتماعی او تأکید دارد، بلکه بر مشارکت فعال زنان در عرصه‌های عمومی، از جمله سیاست و اقتصاد، و حتی بر حضور آنان در میدان‌های نبرد و ساختارهای نظامی به‌مثابه امری مشروع و ضروری اصرار می‌ورزد. بدین ترتیب، جامعه اسرائیلی شاهد فرآیند گذار از الگوی سنتی مبتنی بر انفعال زنان به الگویی مدرن مبتنی بر برابری و کنشگری فعال است.

از آنجایی که ماهیت زنانگی با مفهوم صلح‌طلبی و عطوفت درآمیخته است حضور آنها جنگ و خشونت‌های نظامی چالش‌برانگیز است. اما فمینیست‌ها در راستای حفظ تعادل جنسیتی و همچنین افزایش مزایای سیاسی-اجتماعی نگرشی آرمان‌گرایانه از توانمندی زنان در میدان‌های نبرد ارائه می‌دهند. این مسئله به نوبه خود سبب شده است که اسرائیل توجیه لازم برای استفاده از ظرفیت زنان در عرصه‌های نظامی را داشته باشد. از طرفی دیگر، مسائل اجتماعی زمینه‌ساز فاصله‌گیری این کشور از آموزه‌های مذهبی و در نتیجه منجر به بازتعریف نقش زن و گسترش دامنه فعالیت‌های اجتماعی زنان در اسرائیل شده است. نمونه‌ی بارز این وضعیت خدمت سربازی زنان و حضور آنها در عملیات‌های نظامی است. چه‌بسا سالانه تعداد قابل توجهی از زنان در پی جنگ و عملیات نظامی کشته و یا اسیر می‌شوند و متعاقب آن با بحران‌های روانی ناشی از فضای خشونت‌آمیز روبرو می‌شوند. در همین راستا پرسش این مقاله بدین شرح است: چه عامل یا عواملی سبب شده است که برخی حکومت‌ها، نظیر رژیم اسرائیل، استفاده از زنان در میدان نبرد را مجاز بدانند؟ فرضیه پژوهش از این قرار است که ضرورت بقای رژیم و کمبود افسر نظامی، در صورت سربازگیری صرف از میان مردان، سبب شده است که اسرائیل سیاست جنسیتی را در به کارگیری سرباز کنار بگذارد و مردان و زنان را به خدمت در ارتش فرابخواند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نیازهای امنیتی، مانند نیاز به بقا، نداشتن عمق استراتژیک، معضل جمعیت و سیاست‌های توسعه‌طلبانه این رژیم را مجبور ساخته است، که بدون توجه به آسیب‌های اجتماعی ناشی از حضور زنان در میدان جنگ، انگاره صلح‌طلبی زنان را نادیده بگیرد و در جنگ‌های خود از همه



ظرفیت‌های نظامی خود از جمله نیروی رزمی زنان استفاده کند. علاوه بر این، نگاه تبعیض‌آمیز به زنان به عنوان ابزار جنسی در ارتش به یکی از عوامل مهم در منع حضور و دسترسی آن‌ها به مراتب مهم نظامی تبدیل شده است.

#### ۱. پیشینه پژوهش

در رابطه با مسئله زنان در اسرائیل با محوریت مفهوم صلح‌طلبی و همچنین هدایت بحران‌های ناشی از جنگ پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که هر کدام در تلاش برای رفع نابرابری‌های جنسیتی در جامعه اسرائیل بوده‌اند:

کوهن آلماکور و کلارمن (۲۰۲۲) در پژوهشی به مسئله تبعیض جنسیتی در جامعه یهودی و تاثیر آن بر بازار کار می‌پردازند. آن‌ها با اشاره به اعتقادات و قوانین مذهبی در تعریف جایگاه زنان، به تناقض به‌وجود آمده در جامعه اسرائیل و گرایش زنان در مشارکت نظامی به طور خاص خدمت سربازی و کاهش گرایش‌های دینی در میان افراد جامعه پرداخته‌اند.

هارل شاول (۲۰۲۱) نیز به موضوع آرمان‌های زنان یهود در جهت برابری جنسیتی به عنوان گامی مهم در زندگی می‌پردازد. وی همچنین به جسارت زنان مذهبی یهود در چشم‌پوشی از معافیت سربازی اشاره می‌کند که همراه با نگاهی خوشبینانه به سازماندهی امنیت و صلح پیش‌رو می‌باشد.

آهارونی (۲۰۱۱) (۲۰۱۶) در دو اثر به تاثیر حضور زنان در فرآیندهای پایان‌دهنده جنگ و رفع بحران‌ها تمرکز نموده است و بر صلح‌آمیز بودن نقش زنان اسرائیل در روند گفتگوی یهودی-فلسطینی تاکید نموده است. وی بر این باور است که آن‌ها موجب هموار نمودن مسیر صلح و دفع خشونت‌های ناشی از جنگ می‌گردند که اغلب با بی‌توجهی مواجه شده است. نزار حمید (۲۰۰۰) نیز در مقاله‌ای به مسائلی که منجر به بروز بحران‌ها و مشکلات زنان در اسرائیل می‌گردند پرداخته است. علاوه بر این موضوع، او نابرابری زن و مرد در عرصه‌های مختلف از جمله پست‌های نظامی، دستمزد در بازار کار و دیگر مسائل اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

باتوجه به بررسی‌های انجام شده در رابطه با نقش زنان اسرائیلی در میدان جنگ، به ندرت علل عدم تفکیک جنسیتی در واحدهای نظامی اسرائیل به طور اساسی و معنادار مورد توجه قرار گرفته است و در پژوهش‌های ذکر شده اغلب حضور زنان یهود در عرصه نظامی را دال بر گرایش‌های فمینیستی می‌دانند. بنابراین چنین ایجاب نموده تا علل تاثیرگذار بر سیاست‌های جنسیتی آن را از منظر انگیزه‌های سیاسی دولتمردان این کشور همراه با قوانین نظامی و وضعیت جمعیتی آن مورد تحلیل قرار داد.



## ۲. چارچوب نظری

### ۲-۱. فمینیسم و تاثیر آن بر جایگاه اجتماعی زنان اسرائیل

ارتش‌ها عرصه اصلی برای ساخت هویت‌های مردانه را تشکیل می‌دهند و نقش اصلی را در شکل‌دهی به تصویر مردانه در جامعه بزرگ‌تر ایفا می‌کنند، بنابراین آنها جزء نهادهای مردانه شناخته می‌شوند (Sasson levy, 2011: 83). نظریه‌پردازان فمینیسم استدلال می‌کنند که نتیجه طرد جنسیتی نادیده گرفتن نقش زنان در ساختن ملت‌ها و دولت‌ها است. پاسخ علمی فمینیستی به این فقدان به دو صورت بوده است؛ در ابتدا جنبش فمینیستی نقش زنان در سیاست را از طریق وقایع مشارکت و رهبری آن‌ها در سیاست‌ها و جنبش‌های ملی و مخالف روشن نموده و سپس به کشف و مستندسازی ساز و کارهای طرد زنان از سازمان‌ها، جنبش‌ها، نهادها و فرآیندهای تصمیم‌گیری سیاسی پرداخته است (Negal, 1998: 243). به طور ویژه، اغلب در جنگ‌ها زنان خطر مکانی را بر عهده می‌گیرند؛ جوامع و خانواده‌ها را دوباره کنار هم قرار می‌دهند؛ به خدمات درمانی می‌پردازند، شکاف‌های قومی، طبقاتی و فرهنگی را سازماندهی می‌کنند. در واقع زنان بزرگترین سهامداران صلح و بدترین قربانیان جنگ هستند (Rehn & Sirleaf, 2002: 1).

جریان اصلی جنسیتی تا حدی متأثر از استراتژی‌های فمینیستی بوده است که با هدف برابری زنان با مردان و در عین حال حفظ ساختارهای جنسیتی موجود همراه گشته است، و در همین راستا بسیاری از جنبه‌های دولت مردسالار از نقد فمینیستی مصون ماندند. هدف جریان فمینیستی تغییر ساختارها با ادغام ملاحظات جنسیتی در همه پروژه‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی بوده است. در بحث‌های چند دهه اخیر درباره حضور زنان در ارتش، به‌ویژه در نقش‌های رزمی، فمینیست‌ها تمرکز کمتری بر اینکه آیا زنان قادر به ایفای نقش‌های نظامی هستند، کرده‌اند و بیشتر به این موضوع پرداخته‌اند که آیا زنان باید به دنبال ایفای نقش در میدان‌های نبرد باشند یا نه؟ (Duncanson & Woodward, 2016: 9-4).

به باور «جودیت هیکس استیم»<sup>۱</sup>، اگر سربازان مرد، زنان را در موقعیت‌های قدرت ببینند، جنسی‌سازی زنان برای آنها دشوارتر می‌شود. استیم استدلال می‌کند که زنان می‌توانند ارتش را تغییر دهند، آن را دموکراتیک‌تر کرده، از سلسله مراتب آن بکاهند، و آن را با دنیای مدرن سازگار کنند (Duncanson & Woodward, 2016: 5). نقش زنان به عنوان مرزبان ایجاب می‌کند که پاک‌ها با هوشیاری حفظ شود.

<sup>1</sup>-judith hicks stiehm



بسیاری از نحل‌های ملی‌گرایی، زنان را ضعیف می‌دانند و از این رو آنها را در برابر آلودگی (معمولاً جنسی) و همدستی با دشمنان ملت آسیب‌پذیر می‌دانند. با این وجود ملی‌گرایی مانند گاندی زنان را مظهر و نگهبان اخلاق اجتماعی می‌دانست. به طور خاص، نقش مادری زنان نه تنها زنانگی طبیعی آنها را به صلح متمایل کرد، بلکه زنان را برای الهام بخشیدن به جامعه برای غلبه بر ابهامات اخلاقی آماده نمود. بانرجی در اثر خود در رابطه با ملی‌گرایی عضلانی<sup>۱</sup> از اصطلاح «زنانگی سیاسی شده» استفاده نموده و بر نوع خاصی از سیاسی شدن که با خشونت همراه است تمرکز دارد. او نه تنها بر نقش‌هایی که زنان در (تضاد) مناقشه بازی می‌کنند، بلکه او به مشکلات جنسیتی ایجاد شده توسط زنانگی سیاسی شده نیز توجه کرده است (Banerjee, 2012:9,11).

همچنین مفهوم «زنان نظامی شده» توصیف می‌کند که چگونه ارتش به زنان برای ایفای برخی نقش‌های خاص به منظور پشتیبانی از فعالیت‌های ارتش وابسته هستند، که ممکن است شامل فعالیت‌های رزمی بشود یا نشود. در طول تاریخ زنان در ارتش‌ها نقش‌های زیر را بر عهده گرفته‌اند: حضور در اردوگاه‌ها برای انجام کارهای جزئی مانند تهیه غذا و شستن لباس‌ها، به عنوان زن سربازان، به عنوان فاحشه، پرستار و سربازان رزمنده. به طور کلی نقش زنان کم اهمیت بوده و اغلب، آنها برای پشتیبانی از سربازان مرد به کار گرفته می‌شدند (Brown, 2019). این مفهوم «زنانگی نظامی شده» در میان زنان اسرائیلی هم دیده می‌شود چرا که آنها در ارتش اسرائیل نقش کم اهمیت پشتیبانی از سربازان مرد را بر عهده گرفتند (Jacoby, 1998).

سال‌هاست که سازمان‌های حقوق زنان و فمینیستی در سراسر جهان برای به رسمیت شناختن مشارکت زنان در جلوگیری از درگیری، ایجاد صلح و امداد رسانی کارزارهایی را شروع کرده‌اند. در قطعنامه ۱۳۲۵ (۲۰۰۰) شورای امنیت سازمان ملل متحد از کشورهای عضو و دیگر بازیگران خواسته شده است تا در این راستا عمل کنند (Smyth & et al., 2020: 8). قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت بحث درباره مشارکت نظامی زنان را بار دیگر به جریان انداخته است. این قطعنامه از دبیرکل می‌خواهد که نقش و مشارکت

---

<sup>1</sup> Nationalism Muscular: ملی‌گرایی عضلانی نقطه تلاقی بینش خاصی از مردانگی با دکتترین سیاسی ملی‌گرایی است. این مولفه نسخه‌ای از الگوی قهرمانانه شهروند-جنگجو را در کانون توجه قرار می‌دهد که با مردانگی مسلح مرتبط و با بدن منضبط و رزمی مردانه نشان داده می‌شود. نمونه‌هایی از ملی‌گرایی عضلانی تمرکز یک مرد بالغ است که برای فداکاری و کشتن در راه ملت آماده شده است. تحلیل بانرجی از ملی‌گرایی عضلانی به شواهد وجود پیوند بین ملت و مردانگی هژمونیک در محیط‌های فرهنگی مختلف عمق می‌بخشد. چنین تحلیلی اولین گام به سوی مقابله با مشکل مردانگی مخرب ایجاد شده برای هر «بدنی» است که در این ایدئولوژی، متجاوز تلقی می‌شود (Banerjee, 2012: 4,5).



زنان را در عملیات‌های میدانی سازمان ملل به ویژه در میان ناظران نظامی، پلیس غیرنظامی، حقوق بشر و کارمندان بشردوستانه گسترش دهد. یک گروه حافظ صلح که شامل زنان و مردان می‌شود بیشتر مورد اعتماد جامعه محلی قرار می‌گیرد و از لحاظ دسترسی به تجهیزات در وضعیت بهتری قرار دارد. برای مثال انجام بسیاری از وظایف مانند بازرسی خانه، بازرسی بدنی، کار در زندان، و فراهم کردن محافظت شخصی برای قربانیان/شاهدان و غربالگری رزمندگان بهتر صورت می‌گیرد (Duncanson & Woodward, 2016: 12). البته، برخی از فمینیست‌ها معتقدند که ارتش همیشه مانعی برای صلح خواهد بود. آن‌ها اصرار دارند که ما باید نسبت به نقش ارتش‌ها به‌عنوان عاملان مشروعیت‌داده‌شده توسط دولت برای اعمال زور گشوده، هوشیار باشیم، و استدلال می‌کنند که اعمال خشونت دلیل وجودی ارتش‌هاست. در واقع فمینیست‌های پسااستعماری از خط‌مشی که بسیاری از آن‌ها از نقش ارتش‌ها در ایجاد صلح دفاع می‌کنند نگران هستند. با توجه به اهمیت ارتش‌ها در ایجاد مفهوم جنسیت و کمک به امنیت، وظیفه درک و پشتیبانی از ارتش بازسازی شده مسلماً یک مسئولیت اجتماعی و فمینیستی قلمداد می‌شود (Duncanson & Woodward, 2016: 19,24).

به رغم آنچه بیان شد زنان در نقش‌های مردانه تمایل دارند هویت و گفتمان سربازان رزمی را با تقلید از بدن مردانه و شیوه‌های گفتمانی خود بپذیرند، از زنان و از ایده‌های سنتی زنانگی فاصله بگیرند و موضوع آزار جنسی را بی‌اهمیت جلوه دهند. این سه شیوه هویتی نظم جنسیتی نظامی را به چالش می‌کشد و به زنان سرباز احساس قدرت و اقتدار شخصی می‌دهد (Sasson-Levy, 2011: 81).

## ۲-۲. اهمیت حضور زنان در جبهه‌های نبرد و فرآیندهای صلح‌آمیز بین‌المللی

زنان (و به ویژه مادران) بیش از مردها به صلح و سازش و عدم مشارکت در نیروی مسلح گرایش داشته‌اند. ممکن است زنان به دلیل تجربیات منحصر به فرد خود در جنگ و درگیری، تعهدات قوی‌تری برای پایان دادن به خشونت و حفظ صلح داشته باشند. آن‌ها در مذاکرات بیشتر از مردان همکاری می‌کنند. علاوه بر این، آنها درک گسترده‌ای از واژه صلح دارند که فراتر از عمل پایان دادن به خشونت مسلحانه است که شامل عدالت اقتصادی، اجتماعی، حقوق بشر و پرداختن به علل آن می‌شود (Aharoni, 2016: 2). در دوران جنگ جهانی اول روزانه حدود ۵۵۰۰ سرباز جان خود را از دست می‌دادند و تا پایان جنگ ۸.۵ میلیون نفر کشته شدند. بسیاری از مردم نسبت به این ویرانی‌ها بی‌تفاوت شده بودند اما گروهی از فعالان زن برای اولین بار در تاریخ از حد و مرز خود عبور کردند تا درباره چگونگی پایان بخشیدن به جنگ راه‌حلی بیابند. آن‌ها در لاهه (بیش از ۱۰۰۰ زن از ۱۲ کشور متخصص و بی‌طرف)



گردهم آمدند و اولین کنگره بین‌المللی زنان (ICW) را تشکیل دادند. برنامه آن‌ها صرفاً خلع سلاح جهانی و پایان جنگ نبود، بلکه آن‌ها خواستار شکل‌گیری برابری میان زن و مرد و همچنین ایجاد برابری میان ملت‌ها و تاسیس یک سازمان بین‌المللی غیرحزبی برای میانجیگری در اختلافات میان کشورها بودند. امروزه ماموریت‌های صلح زنان به ندرت با احترامی که سران کشورها به نمایندگان کنگره بین‌المللی زنان در گذشته قائل بودند، با استقبال روبرو می‌شود. اما این بی‌تفاوتی زنان را از سازماندهی برای صلح باز نداشته است (Rehn & Sirleaf, 2002: 75).

از اواخر دهه ۱۹۷۰، دانشمندان و فعالان فمینیست استدلال کرده‌اند که مشارکت جهانی زنان در فرآیندهای غیررسمی ایجاد صلح می‌تواند دموکراسی و برابری جنسیتی را ارتقا دهد، زیرا زنان سیاستی را سازماندهی، هدایت و اجرا می‌کنند که آن‌ها را قادر می‌سازد تا نمادهای زنانگی فرهنگی خود را کشف کنند. از این رو، مقاومت، کار اجتماعی، و کنشگری مردمی اینگونه تلقی می‌شوند که زنان را قادر می‌سازند تا اولویت‌های جدید را تدوین کنند و مفاهیم موجود امنیت، حقوق بشر، عدالت و بازسازی را به چالش بکشند. تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت (۲۰۰۰)، که با یک کارزار جهانی برای تضمین مشارکت برابر و کامل زنان به منظور حفظ و ارتقای صلح و امنیت همراه شد، علاقه نظری گسترده‌تری برای بررسی نقش رسمی زنان در تصمیم‌گیری درباره درگیری‌های مسلحانه به وجود آورد (Aharoni, 2011: 397,398).

پس از امضای اعلامیه اصول در سال ۱۹۹۳، فعالیت‌های صلح زنان اسرائیل از اعتراض عمومی آشکار علیه اشغالگری اسرائیل به فعالیت‌های مبتنی بر جامعه، مانند گفتگوی یهودی-فلسطینی تغییر جهت داد که ایده‌های عدالت اجتماعی و «فرهنگ صلح» را ترویج می‌داد. فروپاشی روند صلح اسلو در سال ۲۰۰۰ تقریباً به همه همکاری‌ها میان زنان اسرائیلی و فلسطینی پایان داد و نشان‌دهنده پیدایش دومین چرخه مقاومت سازمان یافته فمینیستی بود؛ چرخه‌ای که با کارزارهای جهانی مربوط به جنسیت، حقوق بشر، عدالت و برابری مرتبط بود (Aharoni, 2011: 398).

### ۳. شکل‌گیری رژیم‌های جنسیتی در اسرائیل

نخستین رژیم جنسیتی در اسرائیل در سال ۱۹۴۸ که ریشه در روزهای اولیه جنبش صهیونیستی دارد، برابری جنسیتی که بر شهروندان اسرائیلی (گروهی که عمدتاً یهودی هستند اما ۲۰ درصد فلسطینی‌ها را نیز شامل می‌شوند) تأثیر می‌گذارد، شکل گرفت. علی‌رغم وجود جنبش زنان، دسترسی زنان اسرائیلی به حقوق شهروندی عمدتاً در پرتوی وجود درگیری‌های منطقه‌ای شکل گرفته است. تعریف تأثیر تضادهای



موجود بر وضعیت زنان ساده نیست بلکه گرفتار تناقض‌هایی است که دسته‌های مختلف شهروندان زن را براساس ملیت، قومیت و نژاد تقسیم می‌کند (Aharoni, 2016: 5). در رژیم دوم جنسیتی در سال ۲۰۰۱، پس از انتفاضه دوم، که مصادف با افزایش علاقه بین‌المللی به زنان، صلح و امنیت بود، آژانس‌ها و سازمان‌های غیردولتی فلسطینی در مستندسازی تبعیض علیه حقوق زنان در رژیم جنسیتی ۱۹۶۷ فعال‌تر شدند. نادرا شلهوب-کوریان<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) چنین بیان می‌کند که زنان فلسطینی بار سه‌گانه‌ای را مدیریت می‌کنند که شامل مقابله با آسیب‌های روحی به عنوان غیرنظامیان تحت اشغال، مقابله با مشکلات اقتصادی با حفظ مسئولیت‌های اجتماعی به عنوان مادران و مراقبان، و به عنوان زن در یک جامعه سنتی در معرض خشونت. این واقعیت‌های آسیب‌پذیر به طور دائمی توسط گفتمان‌های اسرائیلی، که زنان فلسطینی را یا به عنوان وجودی نامرئی یا به عنوان «تهدید زیست‌سیاسی» (به دلیل ظرفیت‌های تولیدمثلی) که باید از نظر فضایی محدود شود در نظر می‌گیرند، پشتیبانی و بازتولید می‌شوند (Aharoni, 2016: 6). اولویت‌بخشی به مسائل امنیتی نسبت به سایر موضوعات موجب شد که اسرائیلی‌ها، افرادی با تجربه نظامی را برای تصدی پست‌های سیاسی ترجیح دهند. بنابراین، کوشش زنان در اسرائیل که برای موقعیت‌های رقابتی تلاش می‌کنند، از همان ابتدا تقریباً محکوم به شکست است. خانوارهایی که توسط زنان رهبری و حمایت می‌شوند، در مقایسه با خانوارهایی که عمدتاً توسط مردان حمایت مالی می‌شوند، ۱۵ تا ۲۰ درصد فقیرتر هستند. طبق گزارش اداره مرکزی آمار در سال ۲۰۱۳، حقوق زنان به طور متوسط ۶۶ درصد حقوق مردان است. در سال ۲۰۱۸، میانگین حقوق ماهیانه یک زن ۶۹ درصد حقوق یک مرد بود. به طور کلی گزارش مجمع جهانی اقتصاد نشان می‌دهد که زنان ۶۵ تا ۶۸ درصد درآمد متوسط مردان را به دست می‌آورند (Almagor & Klarman, 2022: 264).

درباره‌ی این مسئله که در زمان بحران چه اتفاقی برای زنان می‌افتد، برخی مطالعات نشان می‌دهند که آنها آزادی بیان بیشتری را در طول یک درگیری به دست می‌آورند، در حالی که برخی دیگر بر این باور هستند که در چنین مواقعی زنان تحت کنترل بوروکراسی و قراردادهای اجتماعی خواهند بود که به دنبال حذف آنها از حوزه عمومی سیاسی هستند (Lachover, 2009: 118). در تمام سطوح تحلیل (فردی، جامعه مدنی، ملی) عوامل زمینه‌ای، الگوهای خشونت سیاسی، هویت جمعی، طبقاتی و رژیم‌های جنسیتی نابرابر بیش از هر عامل دیگری بر تعامل سیاسی زنان با مسائل صلح تأثیر می‌گذارند و زمینه

<sup>1</sup>-Nadera Shalhoub-Kevorkian



سیاسی اشکال خاص ناامنی و فرصت‌های تجربه شده توسط زنان را تعیین می‌کنند و با ماهیت نهاد‌های سیاسی، هنجارهای اجتماعی و چارچوب‌های فرهنگی مرتبط هستند که انتخاب کنش را در یک درگیری مشخص می‌کند. این بدان معناست که اگرچه زندگی زنان فلسطینی و یهودی توسط نیروهای جنسیتی مشابه (مادری، خشونت، عدم نمایندگی و فقر) شکل می‌گیرد، اما نگرش آنها نسبت به درگیری نه تنها بر اساس جنسیت، ملیت، قومیت، دینداری یا طبقه، بلکه با ترکیب همه اینها و همچنین رژیم‌های جنسیتی متفاوت که دسترسی نابرابر به حقوق و منابع دارند، ایجاد می‌شود (Aharoni, 2016: 13).

مطالعه فمینیستی بازنمایی زنان در رسانه‌ها، که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ آغاز شد، موضعی انتقادی اتخاذ می‌کند که معتقد است رسانه‌ها نه تنها جامعه و شکاف‌های متعدد آن را منعکس می‌کنند (از جمله آن‌هایی که مبتنی بر جنسیت هستند) بلکه یک واقعیت نمادین می‌سازند (Lachover, 2009: 118). افسانه برابری که توسط قوانین اساسی حمایت می‌شد ادعا می‌نمود زنان اسرائیلی از حقوق برابر برخوردار هستند. قابل توجه‌ترین آن‌ها، قانون خدمات دفاعی (۱۹۴۹) بود که زنان را در زمره افرادی قرار می‌داد که باید برای خدمت سربازی اجباری معرفی شوند و قانون حقوق برابر زنان (۱۹۵۱) که اعلام می‌کرد شهروندان زن از حقوق و وظایف برابر برخوردارند. با این وجود، بررسی انتقادی این «قوانین برابری» نشان می‌دهد که این قوانین مبتنی بر این فرض اساسی هستند که زنان، پیش از هر چیز، همسر، مادر، یا مادر بالقوه می‌باشند، زیرا قوانین عمدتاً به وضعیت زنان در ارتباط با این نقش‌ها می‌پردازند (Lachover, 2009: 119).

در کشورهایی که تحت تهدید امنیتی زندگی می‌کنند، حذف زنان از برنامه مدنی به دلیل بنیادی بودن نهاد خانواده امکان‌پذیر است. این امر به ویژه در دیدگاه یهودیان مذهبی برجسته است، جایی که نقش آنها به عنوان مادر فرزند، انتقال اخلاق فرهنگی و آموزش نسل بعدی تعیین گردید. از همین رو، انتقاد فمینیستی به پیوند قوی بین نظامی‌گری، شهروندی و جنسیت اشاره می‌کند و ادعا می‌کند که سلسله مراتبی بین وضعیت مدنی مردان و زنان وجود دارد. در جامعه و فرهنگ اسرائیل، ارتش یک عرصه اصلی جنسیتی است. این امر به ویژه در دهه‌های اولیه کشور صادق بود. تحقیقات نشان می‌دهد که اگرچه زنان از همان دوران پیش از حکومت در اسرائیل در وظیفه رزمی خدمت می‌کردند، اما تعداد آنها کم بود. اکثر زنان سرباز، پست‌های کمکی را پشتیبانی و زمینه ارتباطات را فراهم می‌کردند. در طول جنگ جهانی دوم، حدود ۴۲۰۰ زن یهودی از فلسطین به صورت داوطلبانه به ارتش بریتانیا رفتند، اما



آنها نیز در درجه اول به پشتیبانی از واحدهای دیگر پرداختند. جنگ در سال ۱۹۴۸ آخرین درگیری بود که تعداد قابل توجهی از زنان اسرائیلی در آن نقش رزمی فعال داشتند (Lachover, 2009: 119,122).

### ۱-۳. تبعیض جنسیتی در جامعه یهودی

در یهودیت، سلسله مراتب بین زن و مرد مشخص است. شریعت یهود راههایی را مشخص می کند که زن باید حکومت مرد را بپذیرد، به امور خانه بپردازد و تمام وظایف زندگی عملی روزمره را انجام دهد. او موظف است به شوهرش خدمت نماید، او را تکریم و از او اطاعت کند. زن باید به شوهرش اطمینان دهد و خواسته‌های او را بالاتر از خواسته‌های خود قرار دهد. همچنین زن موظف است از فرزندان‌شان مراقبت و لباس آنها را تهیه کند. در عرصه عمومی، زنان نمی‌توانند در مناصب قدرت خدمت کنند و از کار در ادارات اجرایی و قضایی و همچنین حوزه معنوی مستثنی شده‌اند (Almagor & Klarman, 2022: 251-252).

زنان نمی‌توانند قاضی باشند و شهادت دهند. علاوه بر این، زن در جریان زندگی ابتدا تحت اقتدار پدر و یک بار هم تحت اقتدار همسر است. همچنین تورات دستور می‌دهد که «مرد لباس زن نپوشد» و همینطور «لباس مرد بر تن زن نباشد». تنش بین هویت یهودی اسرائیل و تعهد بنیانگذاران آن به اصول دموکراتیک به شدت بر برابری جنسیتی تأثیر می‌گذارد. نهاد قانون‌گذار برای ارتقای جایگاه زنان قوانینی مهم وضع کرد که در کنار این قوانین مترقی، تلاش‌های چشمگیر سازمان‌های جامعه مدنی برای ترویج برابری جنسیتی نیز وجود داشته است. با این وجود، فرآیندهای اجتماعی نیز وجود دارند که مانع از تأثیر قوانین پیشرفته بر وضعیت زنان می‌شود. وضعیت امنیتی، درگیری بین اسرائیل و فلسطین و همچنین گذار تدریجی اقتصاد از ساختار سوسیالیستی به ساختار سوسیال دموکراتیک و سپس نئولیبرالیسم، تأثیرات نامطلوبی بر وضعیت زنان داشته‌اند. به زعم این‌که تنش بین نهادهای لیبرال-دموکراتیک و برابری جنسیتی بین همه لیبرال دموکراسی‌های مشترک است، لیبرال دموکراسی‌ها همچنان بسیاری از اصول حقوق بشر زنان را نهادینه نکرده‌اند (Almagor & Klarman, 2022: 254; Bijaoui, 2014: 424,432). زنان بیش از مردان در پست‌های خدمات عمومی مشغول به کار هستند. تبعیض جنسیتی در بازار کار باعث تضعیف حقوق زنان و ناتوانی آنها برای تضمین جایگاه برابر در پویایی خانواده می‌شود و بدین صورت روند نابرابری جنسیتی پایدار ادامه پیدا می‌کند (Almagor & Klarman, 2022: 264).

ادغام جنسیتی با مخالفت شدید خاخام‌های صهیونیست مواجه شد که ادعا می‌کنند مردانی که در کنار زنان خدمت می‌کنند نمی‌توانند قوانین عفت یهودی را رعایت کنند. بنابراین، ادغام جنسیتی، خدمت



(سربازی) مردان مذهبی در واحدهای صحرایی را دشوار می‌کند. برای برآوردن نیازهای آنها، یک کمیته «ادغام مناسب» برای اداره قوانین مربوط به خدمات مشترک (سربازی) مردان و زنان تشکیل شد. این قوانین که در سال ۲۰۰۲ ابلاغ شد، الزاماتی را برای تفکیک جنسیتی در واحدهای مختلط ایجاد می‌کند و به مردان و زنان مذهبی اجازه می‌دهد در واحدهای از نظر جنسیتی هم‌نوع خدمت کنند (Sasson, 2011: 89). با توجه به اهمیت نگرش مذهبی در جامعه اسرائیل، براساس نظرسنجی گالوپ در سال ۲۰۱۵، اسرائیل یکی از کم‌مذهبی‌ترین کشورهای جهان است. پنجاه و هفت درصد از اسرائیلی‌ها خود را غیرمذهبی توصیف کردند، در حالی که ۸ درصد گفتند که متقاعد شده‌اند که ملحد هستند. تنها ۳۰ درصد از اسرائیلی‌ها خود را مذهبی توصیف کردند. بر طبق یک نظرسنجی جدیدتر، اسرائیل در رتبه ۹ از ۲۰ کشور کم‌مذهبی در جهان قرار دارد. در این نظرسنجی نیز تنها ۳۰ درصد اسرائیلی‌ها احساس مذهبی بودن می‌کردند (Cohen-Almagor & Klarman, 2022: 11).

تغییر اساسی در خدمت سربازی زنان، که از جهتی کاملاً غیرمنتظره رخ داد، به زنان یهودی مذهبی ارتباط دارد. از نظر قانونی، زنان مذهبی در اسرائیل، پس از تأیید اینکه نمی‌توانند به دلیل مذهبی بودن خود خدمت کنند، می‌توانند از خدمت سربازی معاف شوند. با این وجود، اخیراً درصد فزاینده‌ای از زنان یهودی ارتدوکس از حق خود برای معافیت چشم پوشی کرده و به ارتش اسرائیل پیوسته‌اند. به وضوح می‌توان به این نکته اشاره کرد که این پدیده به عنوان ایجاد برابری جنسیتی و آرزوی زنان مذهبی برای به رسمیت شناخته شدن به عنوان کسانی که به امنیت ملی کمک می‌کنند، رخ داده است. مطالعه جدید که به بررسی روایت‌های زنان رزمنده و خدمت زنان در نقش‌های پشتیبانی رزمی در ارتش اسرائیل می‌پردازد، نشان می‌دهد که اکثر زنان خدمت سربازی خود را معنادار و گامی مهم در زندگی خود می‌دانند (Harel-Shalev, 2021: 6,7). با این وجود قوانین یهود علیه زنان تبعیض آمیز است. موقعیت‌های مهم در تجارت، سیاست و مناصب اجتماعی بخش خدمات به مردان اولویت می‌دهد. زنان به طور مساوی در این نیروی کار حضور ندارند و خود را از این عرصه‌ها طرد شده می‌بینند. آنها برای دسترسی به مشاغل در نیروی کار به طور نامتناسبی در محرومیت هستند. ارتباطاتی که بین مردان جوان در طول خدمت سربازی ایجاد می‌شود، پایه محکمی از خویشاوندی، صمیمیت و ارتباطی ایجاد می‌کند که زنان نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند. تبعیض جنسیتی در بازار کار باعث تضعیف حقوق زنان و توانایی آنها برای تضمین جایگاه برابر در جامعه می‌شود و بنابراین دور باطل نابرابری جنسیتی پایدار ادامه می‌یابد (Cohen-Almagor & Klarman, 2022: 17).



## ۲-۳. علل موثر در عدم تفکیک جنسیتی در ارتش اسرائیل

برخی کشورهای دموکراتیک-نظامی به دلایل سیاسی و جمعیتی و نیاز به بقاء، از توان بالقوه زنان در واحدهای نظامی استفاده می‌کنند هرچند که این رویکرد موقعیت آن‌ها را با چالش‌های جدی و نگران‌کننده‌ای روبرو می‌سازد و ویژگی صلح‌آمیز بودن زنان را در کنار مشخصه‌های مخرب جنگ دچار تناقض‌های اساسی می‌کند. اسرائیل همچنان یکی از نمونه‌های مهم در حوزه‌ی ادغام جنسیتی و تاثیرگذار بر هویت صلح‌طلب زنان در عرصه جنگ و صلح بوده است.

ارتش به دلیل مرکزیت آن در جامعه اسرائیل و فرهنگ محلی، اهمیت ویژه‌ای در مطالعات مردانگی دارد. سرباز رزمی مظهر مردانگی هژمونیک است که به عنوان نماد شهروندی خوب قلمداد می‌شود. بنابراین، ارتش نقش محوری در ساخت ایدئولوژیک پدرسالاری، نهادینه کردن قدرت دولت و تعاریف مردانگی دارد. در همین راستا، برخی بر این باور هستند که پذیرش زنان در حوزه انحصاری (نظامی) مردان، تعاریف هژمونیک مردانگی و کنترل مردان بر ابزار قدرت دولت را تضعیف خواهد کرد. از این رو، ادغام زنان در نقش‌های مردانه تهدیدی چندسطحی برای مولفه‌هایی است که ارتش، مردانگی و دولت را در هم تنیده کرده است (Sasson-Levy, 2011: 83,92). از سوی دیگر، اسرائیل از زمان تأسیس و چندین سال قبل از آن، با همسایگان خود و با مردم فلسطین درگیر بوده است که این مسئله منجر گردیده تا جنگ و زندگی و همچنین حوادث امنیتی تهدیدآمیز به عنوان یک امر عادی تلقی شود. البته این وضعیت امنیتی درباره همه شهروندان کشور صدق می‌کند (Almagor & Klarman, 2022: 253) و بر مولفه‌ی جنسیت میان زن و مرد تاثیر می‌گذارد.

برخلاف درگیری‌های امروزی که در کشورهای در حال توسعه و یا «دولت‌های شکست‌خورده» روی می‌دهند، اسرائیل (در شکل رژیم جنسیتی آن در سال ۱۹۴۸) اغلب به عنوان یک دموکراسی نظامی مدرن با اقتصاد توسعه‌یافته و سطح نسبتاً بالایی از برابری جنسیتی شناخته می‌شود. در تکامل این مدل از دموکراسی نظامی، زنان یهودی بسیاری از حقوق سیاسی و مزایای اقتصادی را به دست آورده‌اند که با خدمت غیرعادی اجباری سربازی و نقش‌های مادری آنها مرتبط بوده است. از سوی دیگر، اشاره شده است که جنسیت نقشی نمادین در تحکیم مردانگی نظامی شده اسرائیل ایفا می‌کند، و به این نقش در بخش‌های خاصی از نیروهای مسلح به صورت جنسی و تبعیض‌آمیز نگاه می‌شود (Aharoni, 2016: 6). بر اساس نظرسنجی موسسه دموکراسی اسرائیل که در سال ۲۰۲۲ منتشر شد، بیش از نیمی از یهودیان اسرائیلی فکر می‌کردند که واحدهای رزمی نخبه در نیروهای دفاعی اسرائیل باید به طور کامل به روی



زنان باز باشد. به همین دلیل ارتش اسرائیل برای اولین بار شروع به استخدام نیروهای جدید زن در تعدادی از واحدهای مورد نظر کرده است. در این نظرسنجی، اکثر یهودیان اسرائیلی (۵۴ درصد) بر این باور بودند که همه واحدهای نخبه باید به روی زنان باز باشند، در حالی که ۳۵ درصد مخالف این امر بودند (Fabian, 2022). در واقع، هنگام تحلیل نتایج بر اساس سطوح مذهبی، این نظرسنجی نشان داد که ۷۲ درصد از یهودیان سکولار اسرائیلی از خدمات زنان در واحدهای نخبه ارتش حمایت می‌کنند، همچنین ۱۹ درصد از مذهبی‌های ملی و ۱۷ درصد از ارتدوکس‌های افراطی موافق حضور زنان در آن واحدها هستند. علاوه بر این، در این نظرسنجی یهودیان اسرائیلی به این پرسش که ترجیح می‌دهند فرزندانشان در کدام واحد ارتش خدمت کنند، پاسخ دادند. این نظرسنجی مشخص کرد که ۴۴ درصد از زنان و ۴۵.۵ درصد از مردان ترجیح می‌دهند فرزندانشان در واحدهای فناوری مانند واحد معتبر ۸۲۰۰، واحد جمع‌آوری اطلاعات ارتش، خدمت کنند. با این وجود، ۲۲ درصد از زنان و ۱۱ درصد از مردان گفته‌اند که اصلاً نمی‌خواهند فرزندانشان خدمت کنند. همچنین در تصمیم‌گیری، که در پی توصیه‌های یک کمیته داخلی گرفته شد، از ارتش خواسته شد تا نقش‌های رزمی جدیدی را برای سربازان زن در نظر بگیرد (Fabian, 2022).

### ۳-۲-۱. نیاز به بقا

براساس اصول مکتب واقع‌گرایی، بقای دولت هدف اصلی به شمار می‌رود. بر همین اساس زمانی که در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ عملیات طوفان الاقصی انجام شد، امنیت رژیم اسرائیل در معرض یک تهدید جدی و فوری قرار گرفت؛ بنابراین مقامات صهیونیست تصمیم گرفتند جنگی تمام عیار را علیه نوار غزه به راه بیندازند و در این جنگ از تمام ظرفیت نیروی انسانی خود استفاده کردند. در همین راستا، افسران زن اسرائیلی از زمان آغاز جنگ در نوار غزه مشغول نبرد هستند. در سال‌های اخیر زنان ۱۸ درصد نیروی رزمی ارتش اسرائیل را تشکیل داده‌اند. حتی الزامات دفاعی و امنیتی سبب شده است که حتی شهروندان صهیونیست نیز از ورود زنان به عرصه نبرد پشتیبانی کنند. طبق نظرسنجی اخیر «موسسه دموکراسی اسرائیل»<sup>۱</sup>، از میان شهروندان سکولار اسرائیلی، حدود ۷۰ درصد زنان و ۶۷ درصد مردان از افزایش شمار زنان در واحدهای رزمی ارتش پشتیبانی کرده‌اند. «عیدیت شفران گیتلمن»<sup>۲</sup>، مدیر برنامه اجتماعی

<sup>1</sup>-Israel Democracy Institute

<sup>2</sup>-Idit Shafraan Gittleman



و نظامی در «موسسه مطالعات امنیت ملی»<sup>۱</sup>، در دانشگاه تل‌آویو، استدلال می‌کند که بحث درباره ورود زنان به میدان نبرد پایان یافته است. او ادعا می‌کند با توجه به آنچه در هفتم اکتبر اتفاق افتاد زنان می‌توانند به افزایش امنیت کمک کنند. با این وجود، زنان هنوز در رده‌های بالای تصمیم‌گیری درباره مسائل نظامی نقش ناچیزی دارند، حتی اگر نقشی داشته باشند. این موضوع را می‌توان در کابینه جنگی اسرائیل که پس از طوفان الاقصی تشکیل شد، مشاهده کرد. در کابینه جنگی اسرائیل دو رئیس سابق ستاد ارتش و یک سرلشکر حضور دارند، اما هیچ افسر نظامی زنی در این کابینه حضور ندارد (The New York Times, January 19, 2024). در واقع محیط امنیتی اسرائیل این کشور را مجبور کرده است تا از همه ظرفیت‌های انسانی خود برای مقابله با تهدیدات پیشرو استفاده کند. حزب‌الله و حماس مهمترین تهدیدات فوری و جدی در برابر اسرائیل هستند. اسرائیل درصدد است تا با استراتژی جنگ فرسایشی بلندمدت این دو سازمان مقابله کند و در این راستا از استراتژی کارزار بین جنگ‌ها، که در زبان گفتاری با عنوان «چمن‌زنی» شناخته می‌شود، استفاده می‌کند. با وجود برتری کمی و کیفی ارتش اسرائیل، این نهاد نظامی نتوانسته است به طور کامل به همه اهداف عملیاتی خود در برابر حزب‌الله و حماس دست پیدا کند. اگر و زمانی که اسرائیل به این نتیجه برسد که تهدیدات این دو سازمان به اندازه کافی جدی شده است، انتخابی نخواهد داشت جز آنکه لبنان یا نوار غزه را به طور موقت اشغال کند. در واقع اسرائیل این اقدام را به عنوان تنها راهی می‌بیند که می‌تواند از طریق آن پرتاب راکت به سوی اسرائیل را به طور قابل توجهی کاهش دهد (Freilich, 2021, 15).

## ۲-۳. نداشتن عمق استراتژیک

سرزمین منبعی محدود برای اسرائیل به شمار می‌رود. اسرائیل به سختی بزرگتر از ایالت نیوجرسی در ایالات متحده است و در باریک‌ترین قسمتش تنها ۱۵ کیلومتر پهنا دارد. نصف جمعیتش و بخش بزرگی از قطب‌های اجتماعی، بازرگانی و صنعتی‌اش در یک باریکه ساحلی به طول ۱۰۰ کیلومتر جای گرفته است. بنابراین شگفتی ندارد که چندین حکومت در اسرائیل سیاست عمق استراتژیک را در پیش گرفته‌اند. در همین راستا ارتش اسرائیل ترجیح می‌دهد تا جنگ‌ها را در خارج از سرزمین خودش انجام دهد. ارتش اسرائیل سرزمین‌های خارجی را اشغال می‌کند تا تهدیداتی را که از این مناطق متوجه اسرائیل می‌شود مهار کند، و در عین حال مناطق شهری آسیب‌پذیر خود را از درگیری دور نگه دارد. البته اسرائیل

<sup>۱</sup> - Institute for National Security Studies



پس از خروج از نوار غزه در سال ۲۰۰۵، سیاست جدیدی را جایگزین سیاست عمق استراتژیک کرد که براساس آن به طور ضمنی پذیرفت که حماس بر نوار غزه حکومت کند. در واقع اسرائیل درصدد بود با تاکتیک «چمن‌زنی» در برابر حماس بازدارندگی ایجاد کند: بر این اساس اسرائیل باید به طور متناوب و منظم به اقدامات تحریک‌آمیز حماس با قدرت پاسخ می‌داد. اسرائیل با استفاده از نیروی هوایی و توپخانه این کار را انجام می‌داد تا بدین وسیله از حضور طولانی مدت در نوار غزه پرهیز کند. اما عملیات طوفان الاقصی استراتژیست‌های اسرائیلی را به این نتیجه رساند که سیاست چمن‌زنی و حضور ارتش در مرز با غزه نمی‌تواند امنیت اسرائیل را تضمین کند. در اینجا بود که «الی کوهن»، وزیر خارجه سابق، از لزوم کوچک کردن نوار غزه سخن گفت و «یوآف گلانت»، وزیر دفاع اسرائیل، بر لزوم ایجاد یک منطقه حائل در نوار غزه تاکید کرد. در واقع سیاست چمن‌زنی کنار گذاشته شد و سیاست عمق استراتژیک بار دیگر به هسته اصلی سیاست دفاعی اسرائیل تبدیل شد (Pinfold, 2023). با این وجود به نظر می‌رسد که شاید اسرائیل در نظر داشته باشد، که در قبال نوار غزه، این دو رویکرد را با هم ترکیب کند: از یک سو بخش‌های کوچکی از نوار غزه را برای یک مدت نامحدود اشغال کند تا به یک عمق استراتژیک دست پیدا کند، و از سوی دیگر ارتش اسرائیل از مناطق شهری این باریکه بیرون بماند (Pinfold, 2023). بدیهی است که چنین استراتژی مقامات ارتش اسرائیل را مجبور می‌کند تا همچنان به فراخوان نیروهای ذخیره اعم از مرد و زن ادامه دهند و به مدت دوره خدمت افراد مشغول به خدمت بیفزایند.

### ۳-۲-۳. معضل جمعیت، زنان و خدمت سربازی

جمعیت اسرائیل در سال ۲۰۲۴ تقریباً نه میلیون و سیصد هزار نفر برآورد شده است که آن را در رتبه ۹۸ جمعیتی جهان قرار می‌دهد. جمعیت در سرزمین‌های اشغالی با نرخ ۱.۶۰٪ در حال رشد است. در سال ۲۰۱۹، نرخ زاد و ولد در اسرائیل ۳.۰۴ در هر زن بوده است و حدود ۳۵ هزار مهاجر جدید در این سال وارد سرزمین‌های اشغالی شده‌اند. انتظار می‌رود جمعیت اسرائیل در سال ۲۰۵۰ به ۱۲.۷۲ میلیون و در سال ۲۰۹۹ به ۱۸.۰۶ میلیون نفر برسد. در نتیجه تا پایان قرن بیست و یکم جمعیت اسرائیل دو برابر خواهد شد (World Population Review, 2024). آمارها نشان می‌دهد که اسرائیل بالاترین نرخ زاد و ولد را در میان کشورهای توسعه یافته غربی دارد به طوری که نرخ زاد و ولد در اسرائیل شامل ۳ فرزند در هر زن، در مقایسه با ۱.۳ فرزند در هر زن در کشورهای اروپایی و ۱.۹ فرزند در هر زن در ایالات متحده، می‌شود (Boyd, 2023). با این وجود یکی از بزرگترین چالش‌های اجتماعی اقتصادی که



اسرائیل با آن روبروست معضل پیرشدن جمعیتش میباشد. جمعیت سالمند نیاز به منابع و خدمات متعدد دارد و از این رو موجب می‌شود که هزینه قابل توجهی بر اقتصاد اسرائیل تحمیل شود. جالب آنکه زنان ۵۵.۴ درصد از افراد بالای ۶۵ سال را تشکیل می‌دهند. همچنین سن افراد بالای ۶۵ سال در سال ۲۰۳۰، ۱۳.۳ درصد و در سال ۲۰۴۵، ۱۴.۷ درصد افزایش خواهد داشت (Tur-Sinai, 2023). بدیهی است که افزایش تعداد سالمندان در جامعه اسرائیل سبب خواهد شد که ارتش این رژیم در آینده برای تامین نیروی خود با مشکلات فراوانی روبرو شود. سه عامل می‌تواند افزایش جمعیت سالمند در اسرائیل را تبیین کند: کاهش نرخ زاد و ولد، کاهش مرگ و میر و میزان مهاجرت (Brodsky, 2003: 375). از سوی دیگر شکاف‌های جمعیتی از منظر مذهبی چالشی بزرگ را در برابر ارتش اسرائیل قرار داده‌اند. در حال حاضر منازعات فرهنگی و تنش‌های اجتماعی فزاینده‌ای بین خریدی‌ها و یهودیان لیبرال شکل گرفته است چرا که خریدی‌ها از معافیت ساختاری از خدمت سربازی برخوردار هستند و بار دفاع از رژیم به طور کامل بر روی دوش یهودیان سکولار قرار گرفته است (De Martino and Santini, 2023). علاوه بر این، ژنرال «هاگای توپولانسکی»<sup>۱</sup>، مدیر اداره کارکنان ارتش اسرائیل، اعلام کرده است که ۵۰ درصد اسرائیلی‌ها در ارتش خدمت نمی‌کنند، که نیمی از آن ۵۰ درصد وارد خدمت نظام وظیفه نشده‌اند و نیمی دیگر از آنها به بهانه‌های مذهبی از خدمت در ارتش سر باز می‌زنند. جالب آنکه در نوامبر سال ۲۰۱۵، ارتش اسرائیل اعلام کرد که ۵۰ درصد پسران ۱۸ ساله در ارتش ثبت‌نام کرده‌اند، در حالی که ثبت‌نام زنان برای خدمت در ارتش اسرائیل ۲۵۰ درصد افزایش داشته است (Al-Zaytouna Centre for Studies & Consultations: 2016). هر اسرائیلی باید در ارتش خدمت کند. سن خدمت از ۱۸ سالگی آغاز می‌شود. مدت زمان خدمت برای مردان سه سال و برای زنان دو سال است. اما در واقعیت همه اسرائیلی‌ها در ارتش خدمت نمی‌کنند. اسرائیلی‌های عرب، یهودیان اولترا-ارتدوکس (البته احتمال تغییر این معافیت وجود دارد) و مردانی که دارای مشکلات روانی یا اجتماعی هستند، از خدمت سربازی معاف هستند. تنها ۷۰ درصد مردان یهودی در ارتش خدمت می‌کنند. زنان عرب از خدمت در ارتش معاف هستند. زنان مذهبی یهودی مختار هستند که به خدمت سربازی بروند یا نروند. تنها ۵۰ درصد زنان یهودی در ارتش خدمت می‌کنند (Zeira, 2021: 123). با این وجود دیوان عالی اسرائیل در ۲۵ ژوئن

<sup>۱</sup> Hagai Topolanski



۲۰۲۴ با اجماع این حکم را صادر کرد که ارتش باید همه مردان اولترا-ارتدوکس را برای خدمت اجباری سربازی فرا بخواند (The Associated Press, June 25, 2024).

حضور سربازان زن اسرائیلی در میدان نبرد به سه دوره تاریخی متمایز تقسیم می‌شود: جنگ سال ۱۹۴۸ که زنان در میدان نبرد حضور داشتند، از سال ۱۹۴۸ تا اواخر دهه ۱۹۹۰ که زنان ارتشی اجازه حضور در میدان‌های نبرد را نداشتند، و از اواخر دهه ۱۹۹۰ تا زمان حاضر که اکثریت موقعیت‌های رزمی از جمله خلبانی و نیروهای ویژه به روی زنان باز است. شرایط جنگی سال ۱۹۴۸ ایجاب می‌کرد که اسرائیل از تمام نیروی نظامی خود فارغ از جنسیت آن‌ها استفاده کند که این وضعیت در کلام بن‌گورین بازتاب یافته است: « ما اندکیم و دشمنان ما بسیارند». اما پس از جنگ سال ۱۹۴۸ ایفای نقش برای سربازان زن در موقعیت‌های رزمی ممنوع شد. این وضعیت تقریباً تا سال ۲۰۰۰ ادامه داشت. در همان سال متمم برابری در قانون خدمات دفاعی تصویب شد که بر طبق آن زنان مانند مردان برای خدمت در همه پست‌های نظامی دارای حق برابر هستند. در اوایل همان سال ارتش اسرائیل تصمیم گرفت تا در جوخه‌های توپخانه، واحدهای پیاده‌نظام، واحدهای زرهی، و واحدهای رزمی نخبه مستقر سازد (Jewish Virtual Library, 2024).

اسرائیل جزء معدود نظام‌های سیاسی است که سربازی زنان را اجباری کرده است. در حال حاضر زنان ۳۳ درصد سربازان ارتش و ۵۱ درصد افسران آن را تشکیل می‌دهند. زنان می‌توانند در نیروی زمینی، دریایی و هوایی خدمت کنند و هیچ محدودیتی در این زمینه وجود ندارد. در واقع حدود ۹۲ درصد از واحدهای ارتش به روی زنان اسرائیلی باز است. در واحدهای رزمی زیر زنان اسرائیلی مشغول به خدمت هستند:

۱) گردان ۳۳ کاراکال<sup>۱</sup> (پیاده نظام)، ۲) آرایوت هایاردن<sup>۲</sup> (پیاده نظام)، ۳) توتخانیم<sup>۳</sup> (توپخانه)، ۴) اکتز<sup>۴</sup>، ۵) ایسوف کراوی<sup>۵</sup> (مهندسی رزمی)، ۶) کلا دیوید<sup>۶</sup> (توپخانه ویژه)، ۷) چیلوتز و-هاتزالا<sup>۷</sup> (جستجو و نجات)، ۸) مگاو (پلیس ارتش) (THE LONE SOLDIER CENTER, 2024). با آنکه ۹۲

1- Caracal Battalion

2- Aarayot Hayarden Totchanim

3- Totchanim

4-Oketz

5- Isuf Kravi

6- Kela David

7- Chilutz v'Hatzalah



درصد پستهای نظامی به روی زنان باز است، اما ۸ درصد باقی مانده جزء پست‌هایی هستند که برای سربازان این امکان را فراهم می‌کنند که به درجات بالای نظامی در ارتش دست پیدا کنند (Gross, 2016). تنها ۲.۵ درصد سربازان زن در موقعیت‌های رزمی مشغول به خدمت هستند در حالی که خدمت در این موقعیت‌ها برای سربازان مرد به ۲۰ درصد می‌رسد (Hauser, 2011). همچنین به تازگی در یک تحول تاریخی برای زنان در نیروی هوایی اسرائیل، سرهنگ دوم «ب.» به طور رسمی به عنوان نخستین فرمانده زن یک اسکادران پهپادی منصوب شد و جایگزین سرهنگ دوم «ت.» گردید. این رویداد یکی دیگر از دستاوردهای مهم زنان در نیروی هوایی اسرائیل به شمار می‌رود؛ به‌ویژه آن‌که برای نخستین بار دو زن موفق به گذراندن دوره بازرسی محموله در واحد ۷۵۷ شدند و در جریان آموزش یک‌و نیم ساله خود در عملیات نظامی «طلوع شیران» علیه ایران مشارکت عملی داشتند. همچنین در ژوئن گذشته، یک خلبان و یک ناوبر زن برای نخستین بار به طور مشترک هدایت یک جنگنده را بر عهده گرفتند که نمادی از روند رو به رشد برابری جنسیتی در این نیرو تلقی می‌شود (Jerusalem Post, July 30, 2025).

«اوا اتزیونی هالوی»، جامعه‌شناس، استدلال کرده است که ارتش یکی از عوامل اصلی است که موجب طرد زنان از مراکز قدرت دولتی و بخش‌های تجاری اسرائیل می‌شود. با این وجود، اسرائیل ملتی مسلح است. ارتش اسرائیل یکی از ارتش‌های جهان است که به موجب قانون استخدام اجباری، زنان را به خدمت فرامی‌خواند که حدوداً ۲۵ درصد از افسران نظامی را تشکیل می‌دهند. علی‌رغم این موضوع، در درجات بالای سلسله مراتب ارتش، تعداد زنان کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، هژمونی مردانگی هویت‌های جنسیتی را تقویت می‌کند و کلیشه‌های جنسیتی در تحلیل سیاست‌ها و عملکردهای جنگ اعمال می‌شوند (Almagor & Klarman, 2022: 258). در واقع ارتش‌ها به عنوان نهادهای مردانه شناخته شده‌اند، نه تنها به این دلیل که مردانه هستند، بلکه به این دلیل که عرصه اصلی برای ساختن هویت‌های مردانه را تشکیل می‌دهند و نقش اصلی را در شکل دادن به تصویر مردانه را در جامعه ایفا می‌کنند (Sasson-Levy, 2011: 83).

تصمیم برای گنجاندن زنان در پیش‌نویس نیروهای دفاعی اسرائیل به این دلیل بود که برابری جنسیتی جزء اصول کلیدی بنیانگذاران اسرائیل بود. زنان به طور رسمی شهروندان برابر و در نتیجه بخشی مهم از ملت به شمار می‌روند. در سال ۲۰۲۰، زنان ۳۳ درصد از سربازانی را تشکیل می‌دادند که به ارتش اسرائیل پیوسته بودند. همچنین زنان ۵۱ درصد از افسران در حال خدمت را تشکیل می‌دادند. آنها نقش‌های مختلفی را در نیروهای زمینی، دریایی و هوایی بر عهده می‌گیرند. ۹۲ درصد از کل واحدهای



نیروهای دفاعی اسرائیل موقعیت‌هایی را برای زنان دارند، در حالی که حدود ۷۰ درصد از همه نقش‌ها به روی زنان باز است. بر این اساس، زنان در حال حاضر در پست‌ها و نقش‌های مختلف در ارتش اسرائیل خدمت می‌کنند. بیش از ششصد زن در طول خدمت سربازی خود، از زمان ایجاد ارتش اسرائیل، جان خود را از دست داده‌اند. با این وجود، علی‌رغم ماهیت اجباری خدمت سربازی، زنان هنوز باید برای استخدام کامل خود تقلاً کنند (Harel-Shalev, 2021: 3,4). از سوی دیگر، برخی از تحلیلگران نظامی بر این باور هستند که بزرگترین نهادی که وظیفه حفاظت از ساکنان سرزمین‌های اشغالی یا حفظ اشغالگری اسرائیل بر کرانه باختری و غزه را دارد، نیروهای دفاعی اسرائیل است. این نهاد نظامی عمدتاً توسط مردان اداره می‌شود. فرماندهی عالی ارتش اسرائیل و همچنین رده‌های میانی آن تقریباً به طور انحصاری در اختیار مردان قرار دارد (Almagor & Klarman, 2022: 258) که بیانگر اعمال محدودیت‌های جنسیتی در میان واحدهای نظامی ارتش این رژیم است.

#### ۳-۲-۴. سیاست‌های توسعه طلبانه

سیاست شهرک‌سازی اسرائیل عمدتاً در این راستا صورت می‌گیرد تا تعداد زیادی از فلسطینی‌ها را تا جای ممکن از اکثر بخش‌های فلسطین خارج کند. همه این شهرک‌نشینان، که براساس حقوق بین‌الملل غیرقانونی هستند، به پیامدهای سیاسی و انسانی این سیاست بر فلسطینی‌ها اهمیتی نمی‌دهند (Eissa, 2017). سیاست‌های توسعه طلبانه اسرائیل سبب شده است که مناطق فلسطینی‌نشین پیچیدگی‌های خاصی داشته باشند. به طور مثال مناطق فلسطینی به سه قسمت «ای»، شامل اغلب مناطق نوار غزه و ۱۷ درصد کرانه باختری می‌شود که مناطق به شدت پرجمعیت و شهری می‌باشند، «بی»، که یک چهارم کرانه باختری و اغلب مناطق روستایی را تشکیل می‌دهد و فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها به طور مشترک امنیت آن را تأمین می‌کنند، و «سی»، که شامل زمین‌های باقی مانده و اغلب شامل نواحی روستایی می‌شود. اغلب منابع طبیعی کرانه باختری در این منطقه قرار دارد و تحت کنترل کامل اسرائیل می‌باشد. تشکیلات خودگردان به ۱۵۰ هزار فلسطینی ساکن این مناطق خدمات درمانی و آموزشی ارائه می‌دهد. اکثر شهرک‌نشینان اسرائیلی شامل ۷۰۰ هزار نفر در این منطقه زندگی می‌کنند (Robinson, 2024).

از سال ۲۰۰۰ به این سو، در ارتش اسرائیل یک انشعاب به وجود آمده است به گونه‌ای که دو ارتش متمایز از هم به وجود آمده است: یک ارتش رسمی و یک نیروی پلیس فرعی که به انجام عملیات در کرانه باختری تحت کنترل اسرائیل مبادرت می‌ورزد. این ارتش پلیسی از چندین رکن تشکیل شده است: یک تیپ پیاده‌نظام که به طور دائمی در این منطقه مستقر است؛ واحدهایی از پلیس مرزی؛



شبه‌نظامیان شهرک‌نشین (آنها بخشی از واحدهای دفاعی سرزمینی هستند)؛ که توسط ارتش اسرائیل آموزش دیده و مسلح می‌شوند؛ این ارتش پلیسی با استقرار گردش تیپ‌های رزمی ارتش اسرائیل تقویت می‌شود. این ارتش پلیسی که به طور ظاهری تحت کنترل نهادهای سیاسی رسمی است، به یک نهاد شبه‌نظامی تبدیل شده است. فعالیت‌های این نیروی پلیسی در کرانه باختری نشان می‌دهد که هدف اساسی اسرائیل استحکام کنترل این رژیم بر کرانه باختری، به ویژه منطقه «سی» است. این استراتژی بدان معناست که اسرائیل می‌خواهد این منطقه را به طور غیررسمی در اشغال خود داشته باشد؛ چرا که اشغال رسمی کرانه باختری احتمالاً با مقاومت بین‌المللی روبرو خواهد شد (Levy, 2023). اسرائیل برای تامین امنیت کرانه باختری از تمام ظرفیت‌های نظامی، شامل به کارگیری سربازان زن، خود استفاده می‌کند. ارتش برای حفظ حضور نظامی خود در کرانه باختری هزاران نیروی ذخیره خود را تحت عنوان گردان‌های «دفاع منطقه‌ای» بسیج کرده است. همچنین حکومت اسرائیل «واحدهای واکنش اضطراری» را، که شامل شهروندان مسلح می‌شود، در این مناطق تقویت کرده است (Brumfiel, 2024).

چالش‌های جنسی و خشونت‌آمیز علیه ماهیت زنانگی در ارتش

سربازان زن و مرد در نقش‌های مختلف نظامی، هویت خود را از طریق گفتگوی مداوم با سرباز رزمنده شکل می‌دهند، گفت‌وگویی که شامل تقلید، پذیرش و مقاومت می‌شود. بنابراین، سرباز رزمی در راس یک «هرم» هویتی قرار می‌گیرد که لایه‌بندی اجتماعی بر اساس جنسیت، طبقه، قومیت و نقش نظامی را منعکس و بازتولید می‌کند (Sasson-levy, 2011: 83). پس از ابلاغ قانون پیشگیری از آزار جنسی در سال ۱۹۹۸، ارتش سیاستی را برای پیشگیری از آزار جنسی در ارتش ایجاد کرد. از سال ۲۰۰۲ هر دو سال یک بار مطالعاتی درباره نظارت بر درصد زنان آزار و اذیت‌دیده در ارتش (بر اساس گزارش‌های زنان)، انواع آزار و اذیت‌ها، محیط‌های رایج برای آزار و اذیت، و روش‌هایی که در آن سربازان زن با آن کنار می‌آیند، انجام شد (Sasson-Sasson-Levy, 2011: 82). تجربه زنان به عنوان سرباز در ارتش پیچیده و متنوع است. ارتش دائماً تلاش می‌کند بین نقش‌هایی که در اختیار زنان می‌گذارد تعادل ایجاد کند. زنان در طول خدمت در ارتش، با یک نظام سلسله‌مراتبی و مردانه سازگار می‌شوند که بر همه ارکان جامعه تأثیر می‌گذارد (Harel-Shalev, 2021: 13). اما به نظر می‌رسد حقیقت امر به گونه دیگری است زیرا زنانی که نقش‌های نظامی مشابه مردان دارند، هنوز احساس برابری نمی‌کنند. برای زنان جوان اسرائیلی، تجربه نظامی جهان‌بینی نابرابری را عادی می‌کند و متعاقباً زمانی که زنان وارد محیط کار می‌شوند در روان خود به دیدی از واقعیتی ساختاریافته دست پیدا می‌کنند که در آن زنان به مردان خدمت می‌کنند. در سال



۲۰۰۴، ۳۵۸ مورد از جرایم جنسی گزارش شد که ۱۰۲ مورد از آن‌ها شامل تجاوز جنسی به سربازان زن بود. در سال ۲۰۱۷، گزارش ارتش اسرائیل نشان داد که از هر ۶ سرباز زن یک نفر مورد آزار جنسی قرار گرفته است. هر سال حدود ۱۱۰ سرباز مشکوک به این هستند که مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته‌اند. البته موارد بسیار بیشتری از اذیت و آزار جنسی در ارتش اسرائیل وجود دارد که نه افشا شده و نه توسط ارتش مورد رسیدگی قرار گرفته است (Almagor & Klarman, 2022: 254,255).

### نتیجه‌گیری

در طول تاریخ زنان به عنوان نماد عطوفت، مهربانی و نیز صلح‌طلبی شناخته شده‌اند. بنابراین می‌توان گفت حضور زنان در میادین نبرد همواره یک استثنا بوده است. اما با شروع جنگ جهانی اول این وضعیت به تدریج تغییر کرد و زمینه‌های مشارکت مستقیم زنان در جنگ فراهم شد. علاوه بر وضعیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ناشی از جنگ جهانی اول و دوم، پیدایش ادبیات فمینیستی نیز به حضور زنان در جنگ کمک کرد. نخله‌های مختلف جریان‌های فمینیستی سلطه مردان در عرصه عمومی را رد کردند و بر حق زنان برای دستیابی به حقوق خود در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی تاکید کردند. چنین تحولات فکری و اجتماعی سبب شد که حضور زنان در نیروهای نظامی روز به روز گسترش بیشتری پیدا کند به گونه‌ای که امروزه شاهد آن هستیم که در کشورهای توسعه‌یافته، به ویژه ایالات متحده، زنان نه تنها در بخش لجستیک و پشتیبانی، بلکه در میادین نبرد و سلسله‌مراتب فرماندهی نظامی حضوری پررنگ دارند.

در این بین اسرائیل به علت شرایط خاصی که در آن قرار گرفته است، از ابتدای تاسیس خود مجبور شد که نگاه جنسیتی به زن در مسائل نظامی را کنار بگذارد. اما پس از پایان جنگ ۱۹۴۸ و رفع خطر نابودی دولت اسرائیل، به سربازان زن اجازه داده نشد که در میادین نبرد حضور داشته باشند. این وضعیت از اواخر دهه ۱۹۹۰ شروع به تغییر کرد و به تدریج زنان این فرصت را یافتند که در واحدهای رزمی ارتش فعالیت کنند. پذیرش زنان در میدان نبرد توسط ارتش اسرائیل می‌تواند چند دلیل عمده داشته باشد: نخست آنکه، نیاز به بقا هر دولتی را مجبور می‌کند که از تمام منابع انسانی، فارغ از جنسیت افراد، خود برای دفاع و تهاجم استفاده کند؛ در این میان اسرائیل نمی‌تواند استثنا باشد. دوم آنکه، جمعیت اندک مردان در اسرائیل نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای دفاعی اسرائیل باشد در نتیجه ارتش مجبور است برای تامین نیازهای خود از زنان بهره کامل را ببرد؛ همچنین عدم تمایل افراد مذهبی، حریدی‌ها و اولترا- ارتدوکس‌ها، به خدمت سربازی این وضعیت را تشدید کرده است. سوم آنکه، اسرائیل از نداشتن عمق



استراتژیک رنج می‌برد و بنابراین ارتش آن مجبور است که از همه ظرفیت‌های انسانی خود برای جبران این کمبود استفاده کند. در نهایت اینکه، سیاستهای توسعه طلبانه اسرائیل در کرانه باختری، و جنگ غزه در سال ۲۰۲۳، ارتش اسرائیل را بیش از پیش مجبور خواهد کرد که سربازان و افسران زن را در میداین نبرد به کار گیرد و فراتر از آن خدمت سربازی را برای خریدی‌ها اجباری سازد.

## References

- Aharoni, S. (2011). Gender and “peace work”: An unofficial history of Israeli-Palestinian peace negotiations. *Politics & Gender*, 7(3), 391–416. pp. 391–416
- Aharoni, S. B. (2016). Who needs the women and peace hypothesis? Rethinking modes of inquiry on gender and conflict in Israel/Palestine. *International Feminist Journal of Politics*, 19(3), 311–326. pp. 311–326
- Al-Zaytouna Centre for Studies & Consultations. (2016). *The Israeli demographic, economic and military indicators 2014–2015*.  
<https://www.researchgate.net/publication/361667029>
- Banerjee, S. (2012). *Muscular nationalism: Gender, violence, and empire in India and Ireland, 1914–2004* (Vol. 2). NYU Press.
- Boyd, J. (2023). *Israel is in serious peril. And because it is, we all are*. Institute for Jewish Policy Research. <https://www.jpr.org.uk/insights/israel-serious-peril-and-because-it-we-all-are>
- Brodsky, J. (2003). The challenges of success: The aging of Israeli society. *Israel Medical Association Journal*, 5(May), 320–327. pp. 320–327
- Brown, M. T. (2019). Gender and state militaries. In L. Sjoberg & C. E. Shepherd (Eds.), *The Routledge handbook of gender and security* (pp. 385–395). Routledge. pp. 385–395
- Brumfiel, G. (2024, February 19). Israeli settlers are guarding the West Bank. Palestinians say it's worsening violence. *National Public Radio*.  
<https://www.npr.org/2024/02/19/1231129046/israeli-settlers-palestinians-violence-hebron-west-bank>
- Cohen-Almagor, R., & Maroshek-Klarman, U. (2022). Gender discrimination in Israel. In T. Loenen & R. Holtmaat (Eds.), *Anti-discrimination and employment law: International legal perspectives* (pp. 248–276). Routledge. pp. 248–276
- De Martino, C., & Santini, R. H. (2023). Israel: A demographic ticking bomb in today's one-state reality. *Aspen Institute Italia*. <https://aspensiaonline.it/israel-a-demographic-ticking-bomb-in-todays-one-state-reality/>
- Duncanson, C., & Woodward, R. (2016). Regendering the military: Theorizing women's military participation. *Security Dialogue*, 47(1), 3–21. pp. 3–21
- Eissa, H. (2017, May 31). Israeli expansionist, colonial settlements are, and always have been, illegal. *Middle East Monitor*. <https://www.middleeastmonitor.com/20170531-israeli-expansionist-colonial-settlements-are-and-always-have-been-illegal/>



- Fabian, E. (2022). Poll: More than half of Jewish Israelis support women serving in elite IDF units. *The Times of Israel*. <https://www.timesofisrael.com/poll-more-than-half-of-jewish-israelis-support-women-serving-in-elite-idf-units/amp/>
- Freilich, C. (2023). Israel's national security strategy. In P. R. Kumaraswamy (Ed.), *The Palgrave international handbook of Israel*. Palgrave Macmillan. [https://doi.org/10.1007/978-981-16-2717-0\\_87-1](https://doi.org/10.1007/978-981-16-2717-0_87-1)
- Gross, J. A. (2016, March 13). New combat positions for women in the IDF, same old obstacles. *The Times of Israel*. <https://www.timesofisrael.com/newcombat-positions-for-women-in-the-idf-same-old-obstacles/>
- Harel, A. (2023). Women in the military in Israel. In P. R. Kumaraswamy (Ed.), *The Palgrave international handbook of Israel*. Palgrave Macmillan. [https://doi.org/10.1007/978-981-16-2717-0\\_15-2](https://doi.org/10.1007/978-981-16-2717-0_15-2)
- Hauser, O. (2011). "We rule the base because we're few": "One girls" in Israel's military. *Journal of Contemporary Ethnography*, 40(6), 623–651. pp. 623–651
- Jacoby, T. A. (1999). Gendered nation: A history of the interface of women's protest and Jewish nationalism in Israel. *International Feminist Journal of Politics*, 1(3), 382–402. pp. 382–402
- Jerusalem Post. (2025, July 30). A major milestone: First female drone squadron commander appointed in IAF. <https://www.jpost.com/israel-news/article-862779>
- Jewish Virtual Library. (2024). *Women of the Israel Defense Forces: History in combat units*. <https://www.jewishvirtuallibrary.org/history-of-women-in-idf-combat-units>
- Lachover, E. (2009). Women in the Six Day War through the eyes of the media. *The Journal of Israeli History*, 28(2), 117–135. pp. 117–135
- Levy, Y. (2023, November 9). Lines increasingly blurred between soldiers and settlers in the West Bank. *Foreign Policy*. <https://foreignpolicy.com/2023/11/09/west-bank-palestinians-israeli-settlers-attacks-idf/>
- Nagel, J. (1998). Masculinity and nationalism: Gender and sexuality in the making of nations. *Ethnic and Racial Studies*, 21(2), 242–269. pp. 242–269
- Pinfold, R. G. (2023, December 1). Israel's Gaza ground invasion and the return of "strategic depth." *War on the Rocks*. <https://warontherocks.com/2023/12/israels-gaza-ground-invasion-and-the-return-of-strategic-depth/>
- Rehn, E., & Sirleaf, E. J. (2002). *Women, war and peace: The independent experts' assessment on the impact of armed conflict on women and women's role in peacebuilding*. UNIFEM. pp. 3–67
- Robinson, K. (2024). Who governs the Palestinians? *Council on Foreign Relations*. <https://www.cfr.org/backgrounder/who-governs-palestinians>
- Sasson-Levy, O. (2011). Research on gender and the military in Israel: From a gendered organization to inequality regimes. *Israel Studies Review*, 26(2), 73–98. pp. 73–98
- Smyth, F., Hersi, A., Baldoumus, A., Tonelli, A., Khezi-Nwoha, H., Bhagwan-Rolls, S., & Kaya, Z. (2020). *Transforming power to put women at the heart of peacebuilding: A collection of regional-focused essays on feminist peace and security*. Conciliation Resources.



- The Associated Press. (2024, June 25). Israel's high court orders the army to draft ultra-Orthodox men, rattling Netanyahu's government. <https://apnews.com/article/israel-politics-ruling-military-service-orthodox-e2a8359bcea1bd833f71845ee6af780d>
- The Lone Soldier Center. (2024). *Women in the IDF*. <https://lonesoldiercenter.com/women-in-the-idf/>
- The New York Times. (2024, January 19). Israeli women fight on front line in Gaza, a first. <https://www.nytimes.com/2024/01/19/world/middleeast/israel-gaza-women-soldiers.html>
- Tur-Sinai, A. (2023). David and Goliath: The elderly challenge in Israel. *ISPI (Istituto per gli Studi di Politica Internazionale)*. <https://www.ispionline.it/en/publication/david-and-goliath-the-elderly-challenge-in-israel-106965>
- World Population Review. (2024). *Israel population 2024 (Live)*. <https://worldpopulationreview.com/countries/israel-population>
- Zeira, J. (2021). *The Israeli economy: A story of success and costs*. Princeton University Press.